

# زن و جایگاه آن در تفاسیر مخزن العرفان و بیان السعاده

فاطمه ترکاشوند<sup>۱</sup>

سیدمحمد مهدی میرفتاحی<sup>۲</sup>

سیدعقیل میرفتاحی<sup>۳</sup>

## چکیده

توصیف زن و جایگاه آن، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان، الهی دانان، روانشناسان و عالمان تعلیم و تربیت بوده است. بسیاری از اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی جایگاه واقعی زن را در نظام اجتماعی تبیین ننموده‌اند و زن در بیشتر جوامع از موقعیتی متناسب با ساحت وجودی‌اش و نقش آفرینی و نهایتاً از جایگاه اصلی خویش برخوردار نبوده و شخصیتش بر اساس داورهای غیر منصفانه معرفی شده است. در حالی که در مکتب حیات بخش اسلام همه ساحت‌های درونی و بیرونی زن و نیز جایگاه حقیقی او و حقوق فردی و اجتماعی‌اش را به صورت شایسته و کامل تبیین شده است. در این مقاله تلاش می‌شود تا جایگاه حقیقی زن از دیدگاه صاحبان تفاسیر مخزن العرفان و بیان السعاده مورد تبیین قرار بگیرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای به این نتایج دست یافته است که زن و حقوق و منزلتش در اسلام به درستی تبیین شده و مورد حمایت واقعی قرار گرفته و بر خلاف دیگر مکاتب زن را الگویی برای همه انسان ها و مظهر آرامش و مودت معرفی کرده است و گوهره وجودی زن و مرد را یکسان دانسته و آن دو در ارزش‌های انسانی و اسلامی مساوی بوده و تمایزی درحقیقت آنها نیست.

## واژگان کلیدی

تفسیر مجمع البیان، تفسیر بیان السعاده، زن، اسلام، جایگاه اجتماعی

<sup>۱</sup> دانش پژوه سطح ۲، پژوهشگر حوزه حضرت خدیجه، قم، ایران

Email: fatori7979@gmail.com

<sup>۲</sup> دانش پژوه سطح ۲ مرکز تخصصی فلسفه اسلامی، قم، ایران

<sup>۳</sup> استاد راهنما، هیئت علمی مدیر گروه فلسفه دانشگاه امام حسین

## ۱- مقدمه

ضرورت بررسی ارزش و جایگاه زنان بر کسی پوشیده نیست چرا که این ضرورت به لحاظ تاثیر آن در زمینه های اجتماعی و هم در نظام خانواده دارای جایگاه ویژه ای است. امروزه حمله های شدیدی علیه جایگاه و حقوق زنان مطرح می شود و بیشترین این حمله ها متوجه منظومه فکری اسلام است. این حمله ها در حالی علیه جایگاه زنان و احکام خانواده صورت می گیرد که از دیر باز زن در جوامع غربی از کمترین ارزشی برخوردار نبوده است و فرهنگ مرد سالاری همواره در جوامع غربی وجود داشته است. قبل از انقلاب صنعتی زنان همچون بردگان حتی از حقوق اولیه خود نیز محروم بودند؛ بعد از جهش اقتصادی جوامع غربی نظام مردسالار، با کشیدن زن به عرصه ی اقتصاد و بهره وری کم بها از آن در حق زن ستم کرد، و همین نظام سرمایه داری حاکم بر جوامع غربی با سر دادن شعار آزادی و تساوی حقوق زن و مرد، وسایل سوء استفاده از زنان را فراهم آورد. در حالی که در منظومه فکری اسلامی زن به عنوان بنیان، رکن و مبنای آفرینش از ارزشمندترین مخلوقات خداوند است؛ جایگاه متعالی زن به خوبی بیانگر این موضوع است که در عرصه تربیت و سازندگی انسان ها، زن نقش مهندسی و تربیت اجتماع را به عهده دارد و شخصیت، رفتار، فرهنگ و اندیشه او بی گمان در شکل گیری جامعه انسانی نقش مهمی را ایفا می کند. محور بودن زن در اندیشه اسلامی به گونه ای است که بنیانگذار انقلاب اسلامی زن را به قرآن تشبیه می کند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۰۰) به این بیان که زن همانند قرآن انسان ساز است؛ همچنین ایشان در کلام گهربار و ماندگار دیگری فرمودند: «از دامن زن مرد به عروج می رود» (خمینی، همان، ج ۷: ۳۴۱). پرسش از جایگاه زنان همواره به عنوان یکی از مهم ترین و چالش برانگیزترین مسائل مطرح بوده است، یکی از بهترین منابع برای پاسخگویی به این مسئله قرآن کریم است از آنجا که «تبیان لکل شیء» (نحل، ۸۹) است و در مسائلی که مرتبط با هدایت انسان هاست؛ از چیزی فروگذار نکرده است. خداوند متعال در آیاتی از قرآن کریم به بهترین نحو منزلت و جایگاه واقعی زن را بیان می فرماید، در این میان ضرورت دارد تا تفسیر این آیات از دیدگاه دو مفسر بزرگ شیعی در تفاسیر عرفانی آنها مشخص شود؛ چراکه تفسیر مخزن العرفان اثر بانو سیده نصرت بیگم امین تفسیری است عرفانی، جامع و کامل؛ از بهترین تفاسیری است که به سبکی شیوا و بدیع ارائه شده است و در سراسر این تفسیر، چهره مفسر به عنوان یک عارف واقعی جلوه گر است. و تفسیر بیان السعاده تفسیری شیعی از قرآن کریم به قلم سلطان محمد گنابادی است که علاوه بر جنبه عرفانی، جنبه های روایی، فقهی، فلسفه، کلامی و ادبی نیز دارد. از جنبه نقلی و روایی عمده مطالب منقول در آن مستند به احادیث و اخبار مروی از پیامبر اکرم (صلی الله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) است. از این رو تلاش می شود تا با بررسی دلایل هر یک از اقوال بتوان جایگاه واقعی زن را در اندیشه این دو مفسر بزرگ شیعی مشخص و مبرهن شود. در این مقاله سعی شده است با نگاهی تطبیقی به تفسیر آیات مربوط به جایگاه زن در دو تفسیر مخزن العرفان و بیان السعاده این هدف محقق شود.

از این رو به دلیل اهمیت فراوان این مسئله، پژوهش گران فراوانی در این زمینه پژوهش نموده‌اند:

۱. در مقاله (بررسی تحلیلی و مقایسه‌ای ارزش و جایگاه زن در اسلام و آیین هندو) به قلم خانم سیده فاطمه موسوی و آقای بهمن حسینی، در زمستان ۱۳۹۹-شماره ۴۵؛ با روشی توصیفی تحلیلی، به بررسی نگاه آیین هندو و اسلام به زنان پرداخته می‌شود تا موقعیت و جایگاه زنان در این دو آیین شناسایی شود و به این نتایج دست یافته است: در نگاه اسلام زن همانند مرد ارج و قربی بسیار بالا دارد و عامل بر خوب بودن یا نبودن آن نمی‌تواند مرد باشد؛ اما در آیین هندو زن تا زمانی می‌تواند زندگی کند که شوهرش زنده است و با رفتن او از اعتبار ساقط می‌شود.

۲. در مقاله (مهمترین آموزه‌های فمینیسم و مقایسه آن با جایگاه زن در اسلام) از آقای محمد نبی بیانی، از مجموعه مقالات همایش بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی (ص: ۵۵۶۴-۵۵۸۸) به این نتایج دست یافته است: بنابر باور فمینیسم به زنان بنابر زن بودنشان ستم شده است و این جنبش در صدد ایجاد ساختارهای جدید برای زنان است.

۳. مقاله (جایگاه زن در اسلام و علت تفاوت احکام بر اساس تفسیر المیزان) اثری از آقای علی صالحی اردکانی و همکاران، در بهار و تابستان ۱۳۹۵- شماره ۴؛ در مقاله خود به این نتایج دست یافته است: علامه طباطبایی ضمن اینکه زن را در کرامت و انسانیت، همسنگ مرد می‌داند تفاوت‌های در احکام را نتیجه اختلاف در تکوین دانسته و آن‌ها را لازمه ادامه زندگی اجتماعی می‌شمرد.

نوآوری که سبب پرداختن به تحقیق حاضر شده است و آن را از دیگر پژوهش‌های یاد شده متمایز میکند؛ بررسی دقیق و جزئی منظومه فکری اسلام در مورد جایگاه واقعی زن است که این امر با توجه به دو تفسیر عرفانی مخزن العرفان و بیان السعاده به خوبی تبیین می‌شود.

پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سوال است که از منظر قرآن کریم جایگاه واقعی زن چیست و ارزش واقعی زن در اسلام کدام است؟ در صدد پاسخ سوال یاد شده این موارد را بررسی می‌کند: تساوی گوهر وجودی زن و مرد، زن مظهر آرامش و مودت، تساوی زن و مرد در ارزش‌های اسلامی و انسانی، الگو بودن زن در اسلام برای همه انسان‌ها.

## ۲- مفهوم شناسی

پیش از ورود در بحث، به نظر می‌رسد که درآمدی معناشناختی در مورد واژگان تساوی، تشابه و عدل مورد نیاز باشد:

در المنجد، تساوی به معنای تماثل و تشابه آمده است و در منطق، متساوی به دو شیئی گفته می‌شود که از حیث کمیت، واحد باشند. تشابه نیز از ریشه شبه است، به معنای «المثل» و جمع آن «اشباه» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷: ۲۳) گاه از تساوی به عدالت نیز یاد می‌شود: راغب اصفهانی در تعریف عدل، آن را تقسیم بهره و سهم به طور مساوی می‌داند که بر دو گونه است: عدل مطلق که حسن عقلی دارد و در زمان، نسخ نمی‌شود و به هیچ وجه به تجاوز توصیف نمی‌شود؛ مثل نیکی به کسی که به تو نیکی کرد و ترک آزار از کسی

که دست از آزار تو برداشته است و عدلی که عدالت شرعی است و ممکن است در زمانی نسخ گردد (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۵۶۲).

اصطلاحات تساوی، عدالت و برابری بر حسب رویکردهای مختلف علمی از قبیل؛ اخلاق، اقتصاد، سیاست و... معانی مختلفی پیدا می‌کنند. آنچه در این نوشتار مورد نظر است، بررسی این واژگان در حوزه مباحث زنان است. در این حوزه این اصطلاحات هم از حیث معناشناختی و هم از حیث معرفت‌شناختی قابل بحث است که در اینجا رویکرد دوم (معرفت‌شناختی) محل بحث است.

هر نوع برداشت از واژگان تساوی، عدالت و برابری جنسی، به دیدگاه «انسان‌شناسی» موجود، بستگی دارد. تفسیر انسان از واژگان مذکور، منوط به نوع جهان‌بینی است که اختیار می‌شود. «جنسیت»، مهمترین دیدگاهی است که در تفسیر واژگان تساوی و عدالت تأثیرگذار است. سوالی که مطرح است این است که آیا با وجود تمایز جنسی میان زن و مرد، تساوی میان این دو امکان پذیر است؟ و پاسخ صحیح طبق رویکرد الهی این است که جنسیت هیچ نقشی در اصل انسانیت ندارد، یعنی موجب نقص و کمال یا شدت و ضعف در انسان بودن نمی‌شود؛ با وجود این، جنسیت در حقوق و وضع قوانین تأثیرگذار است و موجب تفاوت حقوقی می‌گردد.

### ۳- تساوی گوهر وجودی زن و مرد؛ زن مظهر آرامش و مودت

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ او کسی است که شما را از یک تن آفرید، و همسرش را از او پدید آورد تا در کنارش آرامش یابد» (اعراف، ۱۸۹)؛ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ واز نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد» (روم، ۲۱).

آفرینش زن در بعد جسمی و روحی، از همان گوهری است که منشأ آفرینش مرد بوده است و هر دو جنس در جوهر و ماهیت، یکسان و یگانه اند و تمایزی در حقیقت و ماهیت میان زن و مرد نیست و خداوند متعال به صراحت در قرآن آن را بازگو می‌فرماید.

زن به عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد آرامش و مودت در خانواده نقش مهم و اساسی دارد و دو وظیفه اساسی و حیاتی خانواده بر عهده اوست، ابتدا وظیفه همسری دارد چرا که زندگی پر از تلاطم است و زن این سکینه را در خانه ایجاد می‌کند و تلاطم روحی را فرو می‌نشاند لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ [یعنی] مرد در کنار زن احساس آرامش کند؛ زن مایه آرامش است. نقش زن به عنوان همسر، عشق و آرامش است. سپس وظیفه‌ی مادری که این دو نقش از حیاتی‌ترین و اصیل‌ترین نقش‌ها در ایجاد سلامت در جامعه هستند؛ چرا که خانواده کانون تعلیم و تربیت الهی و بستری سالم برای به کمال رسیدن انسان است و این نهاد مقدس نقش عمده‌ای در ارتقا و رشد و پویایی جامعه ایفا می‌کند. قرآن به صراحت، به بازگویی این حقیقت پرداخته است:

بانو مجتهدده امین در تفسیر خود بیان میکند: «مقصود از نفس واحده که تمام افراد بشر از او آفریده شده‌اند آدم ابوالبشر است، و مقصود از زوجش (حواء) است که برای زوجیت آدم و سکونت و آرامش او خلق شده است» (امین، بی تا، ج ۵: ۳۳۶). بانو امین مقصود از «مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» را تمام افراد بشر میدانند که از یک مرد و زن خلقت شده‌اند با کثرتیکه بین افراد است و تماماً در حقیقت انسانیت یکی و متحد میباشند و از یک اصل و ریشه پیدایش نموده‌اند و شاهد آن خود آیه است که فرموده (خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ) زیرا ضمیر (کم) راجع بتمام افراد است و اینکه خلقت زن از دنده چپ مرد باشد را مردود دانسته. (همان، بی تا، ج ۴: ۶)

بانو امین آیه ۲۱ سوره روم را از آیات بزرگ خلقت مربی عالم میدانند که از جنس بشر جفت و همتا برای او آفریده که با او انس گیرد و بین آنان محبت و شفقت استوار شود زیرا اگر جفت انسان از غیر جنس او باشد هرگز ممکن نیست که با هم انس گیرند و بین آنها محبت و ملائمت برقرار شود تا آنکه از آنان تولید مثل شود و افراد بشر در زمین منتشر گردند و این آیات دلیل بارز و روشنی خواهد بود بر کمال اقتدار و استیلاء مبدء متعال بر احیاء مردگان در روز حشر. (همان، بی تا، ج ۱۰: ۸۹)

سلطان محمد گنابادی در ذیل «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» مینویسد: و او خدایی است که همه شما را از نفس واحدی خلق کرد، خداوند با نعمت وجود و اثبات توحید در عبادتش بر بندگان منت گذاشته، و لذا آنها را بر اشراک توبیخ نمود به این دلیل که آنچه را که شریک قرار داده‌اند نمی‌تواند چیزی را بیافریند.

«وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» یعنی خداوند از سنخ خود انسان برای او همسر آفرید، البته وقتی که مرد همسرش را از سنخ خودش ببیند با آن آرامش پیدا می‌کند، و مذکر آوردن ضمیر (یسکن) به لحاظ معنی است، و ممکن است مقصود از (نفس واحده) حواء باشد، و معنی (جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا) یعنی از سنخ حواء همسرش را قرار داد و آن دو (آدم و حوا) در عالم کبیر هستند اما در عالم صغیر آن دو در جهت عقلی و نفسی برای انسان هستند و عبارتند از دو جهت نازله عقل در عالم صغیر. (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۵۰۰)

همچنین در ذیل آیه ۲۱ سوره مبارکه روم بیان میکند: خدا از جنش شما «أَزْوَاجًا لِيَسْكُنُوا» همسرانی برای شما خلق کرد که به آنها میل پیدا کنید. و از آنها روی گردان نشوید، چراکه اگر همسران از جنس شما نبودند بعد از قضای حاجات خویش از آنها متنفر می‌شدید. «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» ای زوجها و ای مردم. خداوند بین شما محبت و عاطفه و رقت قرار داده، تا آن محبت سبب اجتماع شما و بقاء اجتماع شما شود و این رقت سبب این باشد که شما در حفظ یکدیگر بکوشید و به خیر و اصلاح همدیگر اهتمام ورزید. (همان، ۱۳۷۲، ج ۱۱: ۳۱۱)

نتیجه اینکه: گوهر وجودی زن و مرد یکی است و ازدواج و همسر، عامل آرامش روح و زندگی است و ناآرامی‌های روانی را برطرف می‌کند؛ چراکه اساس زندگی بر انس و الفت است، نه اختلاف و شقاق.

#### ۴- تساوی زن و مرد در ارزش‌های اسلامی و انسانی

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ مسلماً خدا برای مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان عبادت پیشه، و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکيبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه دهنده، و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنان حفظ کننده خود از پليدي های جنسی، و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است» (احزاب، ۳۵)؛ «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ؛ پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [که] یقیناً من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگرند تباہ نمی کنم» (آل عمران، ۱۹۵)؛ «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ؛ آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید» (بقره، ۱۸۷).

تساوی زن و مرد در ارزشهای انسانی و اسلامی جزو مسلمات اسلام است و در آن هیچگونه تردیدی نیست. در ارزش گذاری انسانی و اسلامی، اسلام «انسان» را مورد نظر قرار داده است؛ و در آیه ۳۵ سوره احزاب ده خصوصیت برای زن و مرد ذکر میشود که همه در اجر یکسانند و تفاوتی میان زن و مرد نیست. در قرآن کریم، زن همشأن و همسان مرد در بعد سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و هنری شمرده شده، و با تحکیم موقعیت و شخصیت انسانی او، امتیازی که برای مردان در برابر زنان، پیش از پیدایش اسلام وجود داشت، امتیاز برتر نسبت به فروتر یا امتیاز مالک در برابر برده و کالا متحول شد و آنان را همانند مردان در همه شئون بدون امتیاز خاصی برای مردان، برخوردار نموده است؛ و زنان را همدوش مردان در عرصه های زندگی معنوی، مادی، اقتصادی و وظایف اجتماعی، علمی، حقوقی، فرهنگی و هنری و... وارد ساخته و بر تلاشها و کوششهای آنان در ابعاد گوناگون زندگی، همانند تلاشهای مردان ارج نهاده و این حقیقت را در قرآن چنین بیان می کند:

«من کار هیچ کارگزاری را از شما چه مرد و چه زن بی مزد نمی گذارم» (آل عمران، ۱۹۵). «و کسانی که کارهای شایسته کنند - چه مرد باشند یا زن - درحالی که مومن باشند، آنان داخل بهشت می شوند، و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی گیرند» (نساء، ۱۲۴). «هر که از اهل ایمان کار شایسته ای انجام دهد چه زن باشد و چه مرد او را در فضای زندگی پاکیزه ای حیات می بخشیم و آنان را به نیکوتر از آنچه عمل کرده اند پاداش می دهیم» (نحل، ۹۷). «هر کس که خواستار آخرت باشد و در این زمینه سعی و کوشش نماید، او مؤمن است، پس آنان مورد عنایت خدا قرار خواهند گرفت» (اسراء، ۱۹).

از منظر قرآن کریم، هریک از زن و مرد در گرو اعمال و کارهای خویش هستند و اسلام هرکدام را به صورت مستقل مسئول کار خویش میداند و «هرکسی در گرو دستاورد خویش است» (مدثر، ۳۸). زنان همچون مردان میتوانند فعالیت کنند و مالک هرچیزی شوند که با تلاش خود آن را کسب کرده اند؛ همچنان که مردان آنچه را که از راه کسب به دست می آورند، بهره آنان است «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ؛

برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده اند بهره‌ای است، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است» (نساء، ۳۲). و هیچ تفاوتی در این امر میان زن و مرد نمی‌باشد «لها ما کَسَبَتْ و علیها ما اکتَسَبَتْ؛ آنچه [از خوبی] به دست آورد به سود او، و آنچه [از بدی] به دست آورد به زیان اوست» (بقره، ۲۸۶). بر اساس قوانین اقتصادی اسلام، زن می‌تواند در فعالیتهای اقتصادی - چه در سطح دولتی و چه در سطح خصوصی - مشارکت کند، و در جهت افزایش تولیدات داخلی کشور کوشش نماید و زندگی مرفه را همراه با آزادی - با حفظ حدود و شرایط - نصیب خود و دیگران کند و با تأمین مشکلات و مسائل اقتصادی، انسانها را به سوی هدف واقعی، یعنی کمال و قرب به خدا سوق دهد.

آیت الله گنابادی مقصود از عبارت «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ و انتم لباسٌ لهنَّ» را از جهت تلازم بین زنان و مردان و شدت نیاز بین آن دو بیان می‌کند. و بانو مجتهده امین در ذیل آیه ۱۸۷ سوره بقره مراد از «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ انْتُمْ لِبَاسٌ لهنَّ» را اینگونه بیان میکند: زنها لباسند برای شما و شما نیز لباسید برای آنها، معنی لباس ظاهر است که لباس آن چیزی است که انسان بدن خود را بآن میپوشاند و خود را از سرما و گرما حفظ میگرداند و کنایه است از آنکه زن و شوهر هر یک دیگری را حفظ میکند که در خلاف و حرام واقع نگردند یا برای این است که مثل لباس ملصق بهم میگردند. و از این آیه مبارک می‌توان استفاده نمود که زن و مرد در تمام شئون زندگی مساوی میباشند مگر آنچه را که اختصاص به مرد پیدا نموده یا آنچه را به زن اختصاص داده‌اند.

بانو امین ذیل آیه ۱۹۵ سوره مبارکه آل عمران خداوند را «اجیب دعوة المضطربین» و اجابت کننده دعوت هر کس که روی دل به خداوند آورد می‌خواند و اینکه خداوند عمل هیچ عمل کننده‌ای را چه زن باشد چه مرد ضایع نمی‌کند. و مراد از «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ؛ بعضی از شما از بعضی دیگر میباشند» یعنی همه از مرد و زن در انسانیت مشترکند و مناط صحت ایمان و عمل است زن از مرد پیدا شده و مرد از زن و همه از یک پدر و مادر هستند و از روی خلقت یکی هستند. و هیچ فرقی در طاعت بین زن و مرد نیست و از روی اطاعت یکی هستند، هر کس اطاعت کند اگر مرد باشد یا زن ثواب یابد و اگر معصیت کند جزاء یابد اگر خدا عفو کند اگر مرد باشد یا زن در اینجا هیچ فرقی نیست فرق بعلم است و عمل. همچنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «النَّاسُ سِوَاءٌ كَأَسْنَانِ الْمُشْطِ؛ مردم همانند دندانه های شانه یکسان اند (متقی هندی، ۱۴۱۹: ۲۴۸۲۲)».

آیت الله گنابادی نیز در تفسیر خود مراد از «لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» را اینگونه بیان می‌کند: خداوند متعال عمل هیچ مرد و زن را ضایع نمی‌کند و آنچه را که از خداوند خواستید چون حفظ از آتش، مغفرت و پوشاندن گناهان، و میراندن با نیکان و بخشش به قدر استعدادی که در نتیجه اعمالتان حاصل کرده‌اید، همه را عطا می‌کند. و «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ؛» را جواب سؤال مقدر می‌گیرد، به این بیان که لفظ «من» یا ابتدائیه است یا برای تبعیض؛ گویا که گفته شده: اگر خداوند عمل هیچ عمل کننده‌ای را ضایع نمی‌کند

پس چگونه است که در دنیا مردان را از بابت هجرت و غیر آن مدح می‌کند بدون اینکه زنان را مدح نماید؟ پس خداوند فرمود: بعضی از شما از بعضی دیگر است یعنی مدح مردان مدح زنان نیز هست. یا طبق روایات جواب ام سلمه است؛ آنجا که ام سلمه گفت: «یا رسول الله چگونه است که درباره هجرت مردان در قرآن ذکر شده ولی درباره زنان ذکری به عمل نیامده است؟» ( فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۷۸-۱۷۹) پس می‌توان گفت معنی اینکه بعضی از بعضی دیگر است این است که بعضی ناشی از بعضی دیگر است به سبب توالد، مردان ناشی از زنان هستند، و زنان از مردان. یا مقصود این است که بعضی از سنخ بعضی دیگر است یا از مادّه بعضی دیگر. و خدای تعالی به جواب اجمالی اکتفا نمی‌کند و در جواب، تفصیل داده به طریق عطف تفصیل بر اجمال، و این آیه را بیان میکند و تفاوتی میان زن و مرد نمی‌گذارد. «و طبق روایتی از صافی مقصود از ذکر (مرد) علی (ع) و مقصود از انثی (زن) فاطمه (س) ذکر می‌کند» ( فیض کاشانی، همان، ج ۱: ۳۷۹)؛ آیه در مورد امام علی (ع) نازل شد، وقتی که از مکه هجرت نمود در حالی که فاطمه‌ها با او بودند، فاطمه بنت اسد، و فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه دختر زبیر. امام علی (ع) سواران و دلیران قریش که به دنبالش آمده بودند تا به زور وی را از سفر منع کنند، با شمشیر جنگید و سپس سیر و سفر خود را در حال غلبه و قدرت، ادامه داد تا در «ضجنان» فرود آمد و در آنجا یک روز و یک شب ماند. عده‌ای از ضعفای مؤمنین به او ملحق شدند و در بین آنان ام ایمن کنیز رسول خدا بود، آن شب علی (ع) و فاطمه‌ها نماز می‌خواندند و ایستاده و نشسته و بر پهلو خوابیده ذکر خدا می‌کردند، پس همچنین بودند تا فجر طلوع کرد و نماز فجر را با آنها خواند و همچنان به راهش ادامه داد. پس علی (ع) و فاطمه‌ها این کار را منزل به منزل انجام می‌دادند و خدا را عبادت می‌کردند و تنها به سوی او رغبت داشتند و این چنین آمدند تا به مدینه رسیدند، در حالی که در شأن آنان و کاری که قبل از رسیدن به مدینه انجام می‌دادند این وحی نازل شد: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَامِنُ دَكْرًا أَوْ أَنْثَى».

سبب نزول آیه ۳۵ سوره احزاب در تفاسیر به شرح ذیل است که آیت الله گنابادی روایت اول را بیان می‌کند و بانومجتهده امین هردو روایت را نقل میکند: وقتی که اسماء بنت عمیس با شوهر خود جعفر بن ابی طالب از حبشه مراجعت نمود آمد نزد زنه‌های پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و گفت آیا در قرآن در باره ما چیزی نازل شده است؟ گفتند نه؛ پس از آن نزد رسول اکرم (ص) رفت و گفت زنها نامیدند، حضرت فرمود از چه چیز؟ گفت برای اینکه اینها بخوبی یاد نشده‌اند آن طوری که مردها یاد شده‌اند. و بروایت دیگر زنان حضرت رسول چنین گفتند یا رسول الله (ص) آیا در ما فضیلتی نیست و طاعت ما قبول نیست؟ این بود که این آیه نازل گردید و مردها و زنها را در فضیلت و ثواب اعمال ردیف هم قرار داد. (امین، بی تا، ج ۱۰: ۲۲۹)، (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۱۱: ۴۵۵)، (طبرسی، بی تا، ج ۷: ۳۵۸). در این آیه مبارک خداوند ده فضیلت و منقبت مشترک بین زنان و مردان را تذکر میدهد و هیچ تفاوتی میان زن و مرد نیست.

نتیجه همان طوری که حقوق مردها در اسلام مطرح است، حقوق زنها نیز به مساوات مطرح است، بلکه حتی اسلام به زنها بیشتر عنایت کرده است تا به مردها؛ اسلام زن را همانند مرد، در همه شئون دخالت می‌دهد،



همان طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد، زنها اختیار دارند؛ همان طوری که مردها اختیار دارند. در حقوق انسانی و اسلامی، تفاوتی بین زن و مرد نیست. زیرا که هر دو انسان اند و با کرامت. در پرتو قوانین جامع اسلامی بود، که زن توانست از نعمت رفاه و آسایش کامل برخوردار شود درحالی که قبل از اسلام، وضع رقت بار و اسفباری در خانه مرد داشت.

اسلام به زن حق زندگی، حق رفاه و آسایش، حق تعلیم و تعلم، حق مالکیت، حق مزد در برابر کار، حق شکایت از مرد، حق دفاع از حقوق خود، حق شرکت در امور اجتماعی و حق... عطا فرمود؛ و در زمینه های مذکور، هیچ گونه امتیاز و برتری برای مردان نسبت به زنان قائل نشده است. و این بدین جهت است که طایر زندگی انسانها دارای دو بال است، یکی زن و یکی مرد و بدون این دو بال نمی توان به سوی رشد و تکامل، در زندگی مادی و معنوی پرواز کرد. پس، زن و مرد دو رکن جامعه انسانی می باشند که یک واحد اجتماعی دارای کاربرد را تشکیل می دهند و آن را به سوی تکامل سوق می دهند.

مانع شدن از برخورداری زنان از وظایف اجتماعی، جفا به جامعه انسانی است. البته به دلیل اختلافی که طبق نظام خلقت بین این دو وجود دارد، در تکالیف اینها تفاوتی پدید می آید که زن و مرد باید آنها را رعایت کنند. «در بعضی از موارد تفاوتی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد. مسائلی که منافات با حیثیت و شرافت زن ندارد، آزاد است» (رک: صحیفه امام، ج ۴: ۳۶۴ - ۳۶۵).

## ۵- زن الگویی در اسلام برای همه انسان ها

در تمدن غربی، مرد جنس برتر است و تمدنش مبتنی بر مرد سالاری است. در این تمدن زن تلاش می کند الگوی خود را مرد قرار بدهد و دنبال کارهای مردانه حرکت می کند و الگوی او می شود مرد. در حالی که در اسلام زن به عنوان الگویی برای همه انسان ها معرفی می شود درست نقطه مقابل تمدن غربی که مرد را الگو است. زن الگو از دیدگاه قرآن کریم نه تنها برای زنان؛ بلکه برای مردان نیز الگوست چرا که در منظومه فکری اسلام جان موجودی مجرد است نه مونث دارد نه مذکر، و تفاوتی میان زن و مرد نیست. خداوند متعال در قرآن کریم برای همه انسان ها اعم از زن و مرد، زن را الگو قرار مید و در زمینه ایمان مریم و آسیه و خدیجه را و در زمینه کفر همسر لوط و نوح را مثال میزند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۵۷۵)

### ۱-۵- آسیه الگوی ایمان راسخ و توکل

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، و خدا برای مؤمنان همسر فرعون را مثل زده است هنگامی که گفت: پروردگارا! برای من نزد خودت خانه ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کردارش رهایی بخش و مرا از مردم ستمکار نجات ده» (تحریم، ۱۱)

آسیه از جمله زنانی است که در قرآن، در استواری ایمان مورد توجه قرار گرفته، خداوند متعال او را در ردیف برترین نان عالم و بهترین الگوی انسانیت معرفی می‌کند؛ چرا که او الگوی تمام عیار توکل و ایستادگی در راه خدا است.

«آسیه همسر فرعون و عمه حضرت موسی علیه السلام بود وقتی معجزه عصا را دید ایمان آورد و مدتی ایمان خود را مخفی کرد وقتی فرعون به این موضوع مطلع شد به او اصرار کرد که از دین حق برگردد اما او منصرف نشد تا آنکه امر کرد او را به چهار میخ بستند و در آفتاب انداختند پس از آن فرعون گفت سنگی بر سینه وی گذارید وقتی آسیه سنگ را دید در مقام مناجات گفت خدایا در بهشت نزد خودت خانه‌ای بمن عنایت کن و مرا از قوم ستمکاران نجات ده خداوند دعای او را قبول کرد و پیش از آنکه سنگ بسینه او اصابت نماید قبض روح شد و الم سنگ را نچشید» (امین، بی‌تا، ج ۱۳: ۴۰۳). قرآن کریم سه جمله را از زبان آسیه بازگو می‌فرماید:

ربّ ابن لی عندک: این عبارت نشانگر شدت محبت آسیه به پروردگار است، زیرا نمی‌گوید مرا در بهشت جاودانه جای ده، بلکه عرض می‌کند: "عندک"؛ یعنی آن‌چه او مشتاق آن است، بهشت قرب خدا است و تمام سختی‌ها در مقابل آن اندک است.

نجّنی من فرعون و عمله؛ آسیه با وجود این که از نظر دنیوی به عنوان ملکه‌ی مصر در اوج عزت است، اما شکوه و جلالی که در پناه فرعون و رفتار ظالمانه‌ی او به دست آمده را نمی‌خواهد، بلکه منزلی را می‌خواهد که خدایش بنا کرده باشد.

و نجّنی من القوم الظالمین؛ آسیه از ظلم و ظالم بی‌زاری می‌جوید. روشن‌دلی، روح لطیف و نفرت از ظلم و خشونت آسیه به هنگام از آب گرفتن حضرت موسی مانع از کشتن وی به دست فرعون شد: «... لا تقتلوه عسی أن ینفعن...» (قصص، ۹)

نتیجتاً اینکه «اتصال با کفار و معاشرت با آنها به مؤمنین واقعی ضرر نمی‌زند، چنانچه اتصال آسیه و معاشرت و نزدیکی او با فرعون ضرری به آسیه وارد نکرد» (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۱۴: ۲۳۹) و ایمان راسخ و تقوای اون موجب شد او به عنوان الگویی برای همه انسان‌ها معرفی شود.

## ۲-۵- مریم الگوی پاکدامنی و عفاف

«وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا مِنَ الْإِحْسَانِ» و [نیز] مریم دختر عمران [را مثل زده است] که دامان خود را پاک نگه داشت و در نتیجه از روح خود در او دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از اطاعت‌کنندگان [فرمان‌های خدا] بود» (تحریم، ۱۲).

از مهم ترین مسائلی که قرآن کریم آن را مورد توجه ویژه قرار داده است «عفاف» است؛ و به دلیل اهمیت فراوان آن مریم ع را به عنوان الگویی برای همه‌ی انسان‌ها معرفی می‌کند:

« و مریم صدیقه خود را از زنا و شوهر نگاه داشت و چون بشری او را مسّ ننموده بود و از تمام کثافات ظاهری و باطنی پاک بود لایق فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا گردید و اضافه روح که فرموده مِنْ رُوحِنَا اضافه تشریفیه است، مقصود از روح آن روح اعظم است که اول ما خلق الله بشمار می‌رود و اول چیزی است که مشمول رحمت و فیض منبسط و رحمت رحمانی گردیده و بتمام موجودات احاطه نموده و از آن روح اعظم به امر الهی نفخه‌ای به حضرت مریم دمیده شد و حضرت عیسی مسیح علیه السلام را حامله شد» (امین، بی تا، ج ۱۳: ۴۰۴-۴۰۵) « در واقع خداوند متعال برای رفع تهمت از مریم صدیقه (ع) که نسبت زنا به او داده نشود در مقام شرافت او برآمده که ما از آن روح اعظم بدون واسطه بشری و معدّات خارجی نفخه بمریم دمیدیم.

وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ: مریم از زمره مردمی بود که مطیع خدا و خاضع در برابر اویند و دائماً بر این حال هستند؛ و اگر خداوند مریم (ع) را با اینکه زن بود، فردی از قانتین خواند با اینکه کلمه مذکور جمع مذكر است، بدین جهت است که بیشتر قانتین مردان هستند.

### ۳-۵- خدیجه الگوی اخلاص، ایثار و زهد

«وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى؛ و تو را فقیر یافت و بی‌نیاز نمود» (ضحی، ۸)

ایثار در لغت به معنای برتری دادن و برگزیدن است همچنان که حضرت خدیجه نمونه‌ای تمام عیار از ایثار است که به شهادت قرآن و تاریخ همه‌ی سرمایه و عمر خود را تقدیم پیامبر اکرم نمود. در کتاب‌های تفسیر اهل سنت و شیعه و روایات اهل بیت تصریح شده است که مراد از بی‌نیاز ساختن پیامبر، اعطای مال و بخشش حضرت خدیجه بود که همه دارایی خود را در طبق اخلاص و در جهت اعتلای کلمه‌ی توحید گذاشت، و نه تنها مال خود را بلکه در همه‌ی جهات پیامبر اکرم را بر خود ترجیح داد و از هیچ کوششی دریغ نکرد. و با این عمل زهد خود را به مرحله‌ی کمال رساند، چراکه زهد به معنای بی‌میلی و بی‌رغبتی نسبت به چیزی است که توجه و گرایش به آن طبیعی باشد.

بانو امین ذیل این آیه مینوسد: شکی نیست که هر موجود ممکن‌ی خواه نبی باشد یا ولی ملک باشد یا بشر هر قدر بزرگوار باشد فقیر محض است یا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ از خود هیچ ندارد هر چه از فضایل و کمالات دارد از سر چشمه احسان مبدء عالم ترشحی بوی رسیده و در این آیات اشاره باین دارد که تو با این مقام بلندی که احراز نموده‌ای از جهت وجود امکانی فقیری و هر چه داری از طرف پروردگار تو است که بایستی همیشه نعمتهای او را در نظر داشته و در مقام شکر گذاری برآیی. (این، بی تا، ج ۱۵: ۱۷۴)

### ۶- نتیجه گیری

۱-۶- جایگاه و مقام زن در اسلام بسیار بالا و با ارزش است و برخلاف فرهنگ غربی که به دلیل عدم احاطه بر همه زوایای وجودی انسان همواره توصیه‌هایشان ناقص و ناسزاوار بوده به نحوی که جنبه‌های فرعی از وجود انسان را تقویت نموده و بسیاری از جنبه‌های اصیل دیگر وجود انسان را تضعیف مینمایند، اسلام زن را عنصری ارزشمند و موثر و الگوی عفاف، پاکدامنی، زهد، تقوا، ایستادگی و مقاومت برای همه‌ی انسان‌ها معرفی می‌نماید، چرا که در اسلام، زن بستری برای تربیت، رشد و تعالی فرزندان، خانواده و اجتماع است.

۲-۶- زن و مرد در جایگاه انسانی یکسان‌اند؛ چراکه روح انسان حقیقتی مجرد از ماده است و جنسیت امری جسمانی و مادی است پس زن و مرد در روح انسانی مشترک‌اند از آن رو که حقیقت و اصل انانیت به روح است، نه جسم، پس زن و مرد در انسانیت برابر و مشترک هستند. باید توجه داشت اشتراک زن و مرد در جایگاه انسانی، به معنای تساوی و یکسانی آنان در همه آثار نیست. همانطور که همه مردان به منزله یک صنف در همه آثار مساوی نیستند، ولی مشترک‌اند، زنان و مردان نیز دارای صفات اولیه مشترک انسانی هستند؛ ولی در همه آثار مساوی نیستند. در واقع لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت و شرافت انسانی، تشابه صددرصد آن‌ها در حقوق و تکالیف نیست. تساوی، غیر از تشابه است. تساوی، برابری است و تشابه، یکنواختی.

۳-۶- بنابر تعالیم و منظومه فکری اسلام، آفرینش دو جنس با تفاوت‌های معین، سازنده نقش‌های متفاوتی برای آن دو است. یک زوج دایره کاملی از انسانیت را تشکیل می‌دهند و یقیناً زن و مرد مکمل یکدیگر قرار می‌گیرند. این مکملیت هم در ویژگی‌های طبیعی و هم در حقوق و تکالیفی که زن و مرد در قبال یکدیگر دارند، پدیدار شده است. هر آنقدر که افراد بیشتر در پی تکمیل یکدیگر باشند، زوج انسانی کارآمدتر خواهد شد. بنابر این تفاوت‌های طبیعی نه سندی برای ارزشمندی و فضیلت یک جنس بردیگری، بلکه شاهکار خلقت است و نشانه‌ای از نظام مدبرانه و حکیمانه جهان است.

۴-۶- در منظومه فکری اسلام و نظام اسلامی معاصر، زن مسلمان می‌تواند همانند مردان در اصل‌گزینش وظایف آزاد باشد و با اتکا بر قدرت و شایستگی و هوشمندی خود در کنار مسئولیتهای خانوادگی، با حفظ شرافت، کرامت، عفاف و نجابت، در عرصه‌ها و فعالیتهای مختلف اجتماعی مانند: آموزش و پرورش، آموزش عالی، آموزش بهداشت و درمان، ورزش، هنر، رادیو و تلویزیون، مناصب دولتی، مدیریتهای قوی، فعالیت در قوه قضاییه، فعالیت در قوه مجریه، قانونگذاری و تصمیم‌گیری در سطح کشور، فعالیت در امور سیاسی و در امور اقتصادی - چه خصوصی و چه دولتی - حضور داشته باشد و با حضور شایسته خود در جامعه - که مورد تأکید و تأکید اسلام است - ثابت کند که اسلام هرگز خواستار انزوای زن در جامعه نبوده، و نیست.

۵-۶- تمامی احکام شرعی در اسلام متناسب با فطرت انسان طراحی شده است چراکه اسلام دین اعتدلال است. در اسلام نه مرد در زندگی تابع زن، و نه زن مانند جوامع غربی کاملاً مستقل و جدای از مرد است؛ بلکه زن و مرد شریک زندگی هم هستند و وظایف هر یک متناسب با توان جسمی و روحی آن‌ها تعیین شده است

. اسلام زن را از بندگی و بردگی مرد رها کرده و با الزام مرد به تأمین بودجه‌ی خانواده، وظیفه‌ی سنگین تأمین معاش را از دوش زن برداشته است.

## منابع

### قرآن کریم

۱. امین، نصرت بیگم. (بی تا). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن. بی جا: بی نا، چاپ اول.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالصادر، چاپ سوم.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۶۹). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، تهران: مرتضوی، چاپ اول.
۴. خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، چاپ پنجم.
۵. سلطان علی شاه (گنابادی)، سلطان محمد بن حیدر. (۱۳۷۲). متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العبادة. محمدرضا رسانی، حشمت الله ریاضی، تهران: سرالاسرار، چاپ اول.
۶. طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا). مجمع البیان. احمد بهشتی، تهران: فراهان، چاپ اول.
۷. فخررازی، محمدبن عمر. (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
۹. متقی هندی، علاء الدین علی ابن حسام. (۱۴۱۹). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: دارالکتب العلمیه.

چهارمین همایش بین المللی حوراء انسیه (سلام الله علیها) ISC